

مبانی مفهومی احساس تنهایی: یک مطالعه کیفی

Conceptual Basics of Loneliness: A Qualitative Study

Susan Rahimzadeh, PhD

Islamic Azad University
South Tehran Branch

Hamid Reza Pour Etemad, PhD

Shahid Beheshti University

دکتر حمیدرضا پوراعتماد

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
پژوهشکده علوم شناختی

دکتر سوسن رحیمزاده

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

Ali Asgari, PhD

Tarbiat Moalem University

Mohammad Reza Hojjat, PhD

Thomas Jefferson University

دکتر محمدرضا حجت

استاد دانشگاه پزشکی جفرسون

دکتر علی عسگری

استادیار دانشگاه تربیت معلم

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های مفهومی احساس تنهایی در دانشجویان ایرانی بر پایه پژوهش کیفی و تحلیل محتوا شکل گرفت. اطلاعات محتوایی احساس تنهایی در سه گام جمع‌آوری شدند: نخست، پیشینه پژوهشی احساس تنهایی و ابزارهای اندازه‌گیری آن به‌طور جامع مرور شد. سپس با ۱۰ مشاور (چهار زن و شش مرد) و ۱۰ دانشجوی (شش زن و چهار مرد) مصاحبه و نظرات آنها درباره احساس تنهایی ضبط شد. سرانجام ۱۳۵ دانشجو (۹۴ زن و ۴۱ مرد) یک پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی را تکمیل کردند. تحلیل محتوای پیشینه پژوهشی بیانگر هفت مؤلفه احساس تنهایی، یعنی مؤلفه‌های هیجانی، اجتماعی، خانوادگی، احساساتی، دوستان، گروه‌های بزرگ‌تر (پیوندجویی گروهی) و هستی‌گرایی بودند. از تحلیل محتوای مصاحبه با مشاوران، پنج مؤلفه هیجانی/ فردی، ارتباطی/ اجتماعی، ارتباطی/ خانوادگی، هستی‌گرا و مذهبی/ معنوی، از مصاحبه با دانشجویان، چهار مؤلفه هیجانی/ فردی، ارتباطی، احساساتی و مذهبی/ معنوی و از پرسشنامه باز-پاسخ سه مؤلفه هیجانی/ فردی، ارتباطی (ارتباط با دیگران، خانواده، دوستان، گروه‌های بزرگ‌تر) و مذهبی/ معنوی شناسایی شدند. یافته منحصربه‌فرد این مطالعه، تنهایی مذهبی/ معنوی بود که در اندازه‌گیری احساس تنهایی در نمونه‌های ایرانی باید در نظر گرفته شود. بر اساس این یافته‌ها می‌توان یک ابزار اندازه‌گیری احساس تنهایی مبتنی بر فرهنگ ایرانی را تهیه و گسترش داد.

واژه‌های کلیدی: احساس تنهایی، تحلیل محتوا، مفهوم‌پردازی، تنهایی مذهبی/ معنوی

Abstract

This study was aimed to explore the conceptual components of loneliness experiences based on qualitative research and content analysis approaches among Iranian university students. To collect content information about loneliness, three steps were taken. First, the literature on loneliness and its measurements reviewed comprehensively. Second, 10 counselors (4 females, 6 males), and 10 college students (6 females, 4 males) were interviewed and their views regarding loneliness were recorded. Third, 135 college students (94 females, 41 males) completed a loneliness open-ended questionnaire. Content analysis of the literature review resulted in seven components of loneliness: emotional, social, family, romantic, friends, larger groups (group affiliation), and existential loneliness. Five components were identified from the content analysis of interviews with counselors: individual/emotional, social/ relational, family/ relational, existential, and religious/spiritual. Four components emerged from interviews with students: individual/emotional, relational, romantic, and religious/spiritual. Three components were recognized from the open-ended questionnaire: individual/emotional, relational (relations with others, family, friends, larger groups), and religious/spiritual. In this study, the emergence of religious/spiritual component of loneliness was unique and suggested that this component must be included in any measurement of loneliness in Iranian samples. Based on these findings, an instrument consistent with Iranian culture can be developed for measuring loneliness.

Keywords: loneliness, content analysis, conceptualization, religious/spiritual loneliness

received: 23 May 2011

accepted: 11 December 2011

دریافت: ۹۰/۳/۲

پذیرش: ۹۰/۹/۲۰

مقدمه

دگرگونی‌های سریع اجتماعی و گوناگونی واقعیت‌های زندگی، پژوهشگران را به‌گونه فزاینده‌ای با مناظر و بافت‌های جدید اجتماعی روبه‌رو ساخته است. به دنبال این تغییرات، روش‌شناسی‌های قیاسی سنتی از تشخیص و تمایز چیزها عاجز مانده‌اند و به‌ناچار از راهبردهای استقرایی استفاده می‌شود؛ یعنی برای مطالعه بافت‌های اجتماعی به جای شروع از نظریه-ها و آزمون آنها، حساس‌سازی مفاهیم ضرورت یافته است. از این رو بررسی‌های کیفی^۱ در علوم اجتماعی و پژوهش‌های رفتاری نفوذ یافته‌اند. پژوهش کیفی، برای افرادی که مایل به پژوهش درباره موضوع‌های واقعی زندگی و مسائل آن هستند به کمک فرایند جست‌وجوی معنا در رابطه با عنوان پژوهش-بینش‌های جدید و مفیدی ایجاد می‌کند (هومن، ۱۳۸۵). در قلمرو روان‌شناسی هم به دلیل پیچیدگی‌های مفاهیم و سازه‌های روان‌شناختی و متأثر بودن آنها از ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، پژوهش کیفی کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده است.

یکی از سازه‌های پیچیده روان‌شناختی که از زمان فلاسفه مورد بحث بوده، احساس تنهایی^۲ است. در آن زمان احساس تنهایی یک مفهوم مثبت به معنای کناره‌گیری داوطلبانه فرد از درگیری‌های روزمره زندگی برای رسیدن به هدف‌های بالاتر (مانند تعمق، مراقبه^۳ و ارتباط با خداوند) تلقی می‌شد. اما، امروزه در متون روان‌شناختی به احساس تنهایی مثبت پرداخته نمی‌شود بلکه حالتی در نظر می‌گیرند که در آن فرد فقدان روابط با دیگران را ادراک یا تجربه می‌کند و شامل عناصر اصلی و مهمی مانند احساس نامطلوب فقدان یا از دست دادن همدم، جنبه‌های ناخوشایند و منفی روابط از دست رفته و از دست دادن سطح کیفی روابط با دیگری است (دی‌یانگ‌گیرولد، ۱۹۹۸). تاریخچه مطالعات احساس تنهایی (تیکه، ۲۰۰۹) بیانگر آن است که این سازه در گذشته با مشکلات دیگری مانند افسردگی، کمرویی، خشم، رفتار خودانزواطلبانه و مانند اینها مفهوم‌سازی شده بود. اما، در تعاریف و مفهوم‌سازی‌هایی که به‌تازگی انجام شده‌اند (کاسیوپو، هوگز، ویت، هاوکلی و

تیبستد، ۲۰۰۶) احساس تنهایی یک سازه روان‌شناختی مستقل از دیگر مشکلات در نظر گرفته می‌شود که خطرات منحصر به فرد خود را دارد.

از سال ۱۹۷۰ تاکنون، پژوهش‌های انجام شده در قلمرو مفهوم‌پردازی^۴، تعریف و عوامل تشکیل‌دهنده احساس تنهایی پیشرفت‌های زیادی داشته‌اند، داده‌های تجربی^۵ بالارزشی به‌دست آورده‌اند، مفهوم‌سازی‌های پیچیده و متعددی از آن را ارائه کرده‌اند و شیوع آن را در جمعیت عمومی و دانشجویی گزارش کرده‌اند (حجت و کراندال، ۱۹۸۹؛ پیلو و پرلمن، ۱۹۸۲؛ کرامر و بری، ۱۹۹۹؛ وارزینیاک و پولاردوایتمن، ۲۰۱۱؛ رحیم‌زاده، بیات و اناری، ۱۳۸۸). مرور پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد در تعریف و مفهوم‌سازی احساس تنهایی تفاوت‌های نسبتاً چشمگیری بین صاحب‌نظران وجود دارد. برای نمونه، برخی از پژوهشگران (برای مثال، پیلو و پرلمن، ۱۹۸۲؛ حجت و کراندال، ۱۹۸۹) احساس تنهایی را یک حالت روان‌شناختی ناشی از نارسایی‌های کمی و کیفی در روابط اجتماعی می‌دانند. این احساس در موقعیت‌هایی که روابط هیجان‌انگیز کمتر از میزان دلخواه فرد است یا صمیمیت^۶ مورد نیاز او تحقق نمی‌یابد، بروز می‌کند و ممکن است در هر سنی رخ دهد و تجربه شود. بر اساس نظریه‌هایی مانند ویس (۱۹۷۳) و فروم-ریچمن (۱۹۵۹) احساس تنهایی یک تجربه منفی شدید است که فرد از به یادآوری آن فعالانه اجتناب می‌کند. اگر هم مجبور به یادآوری شود، با نارضایتی زیادی این عمل را انجام می‌دهد و درماندگی^۷ ناشی از احساس تنهایی را کم اهمیت جلوه می‌دهد. وود (۱۹۸۶) این‌گونه استدلال می‌کند که احساس تنهایی یک هیجان بنیادی و یکی از قوی‌ترین تجربه‌های انسانی است. وی بر این باور است که احساس‌های تداعی شده با احساس تنهایی، عدم وجود روابط اجتماعی مناسب را به فرد گوشزد می‌سازند.

گسترده‌گی ماهیت احساس تنهایی، بسیاری از پژوهشگران را بر آن داشته است تا افزون‌بر تعریف و مفهوم‌سازی و ارتباط آن با سایر متغیرها و مشکلات، به مطالعه ساختار عاملی^۸ و شناسایی عوامل تشکیل‌دهنده آن بپردازند. تلاش‌هایی که

1. qualitative
2. loneliness
3. meditation

4. conceptualization
5. empirical
6. intimacy

7. distress
8. factor structure

اجتماعی)، نمای زمانی^{۱۶} (مانند نوسان‌های احساس تنهایی) و ویژگی‌های هیجانی^{۱۷} (مانند فقدان احساس‌های مثبت) را مطرح کرده‌اند. افزون‌بر این، کرامر و بری (۱۹۹۹) نقل از رحیم‌زاده، ۱۳۸۹ الف) در یک بررسی گسترده با استفاده از هفت آزمون (با ۲۱ زیرمقیاس)، چهار عامل همبسته هیجانی، تنهایی اجتماعی، تنهایی خانوادگی و عاطفه منفی^{۱۸} را به‌دست آوردند. بدون تردید ناهماهنگی و اختلاف در تعیین عوامل، ابعاد، مؤلفه‌ها و ساختار عاملی احساس تنهایی، علاوه‌بر اینکه متأثر از مبانی نظری و زیربنایی متفاوت این سازه است، زیر تأثیر ساختارهای فرهنگی و اجتماعی افراد و گروه‌های مورد مطالعه نیز قرار دارد. بررسی‌های پژوهشگران مستقیماً بر جنبه‌های بین‌فرهنگی احساس تنهایی و نیز سه نکته باارزش تأکید دارند. نخست اینکه اندازه‌گیری احساس تنهایی بر اساس فرهنگ محدود می‌شود؛ دوم اینکه شیوع احساس تنهایی در کشورهای مختلف متفاوت است و سرانجام اینکه نیرومندی حداقل یکی از پیش‌بین‌های احساس تنهایی، یعنی پایگاه ارتباطی، در کشورهای مختلف یکسان نیست. پرلمن (۲۰۰۳) معتقد است عوامل فرهنگی در شکل‌گیری احساس تنهایی به شکل یکسان مؤثر نیستند. در فرهنگ‌های فردگرا^{۱۹} مانند آمریکا، آمادگی‌های ارتباطی افراد برای برقراری دوستی‌ها، نقش کلیدی دارند، در حالی‌که در فرهنگ‌های جمعی^{۲۰} روابط خانوادگی نقش بزرگ‌تری را بر عهده دارند. یافته‌ها نشان می‌دهند میزان احساس تنهایی در فرهنگ‌های جمع‌گرا، جایی که افراد مسئولیت بیشتری به‌خاطر شکست‌های بین‌فردی می‌پذیرند، بالاتر است (اندرسون، ۱۹۹۹).

پژوهشگران در بین عوامل مهم و مؤثر فرهنگی، نقش خانواده را برجسته می‌سازند (خویی‌نژاد، رجایی و محب‌راد، ۱۳۸۶؛ لعلی‌فاز و عسگری، ۱۳۸۷). بنابراین تفاوت‌های اجتماعی، تعامل‌های بین‌فرهنگی و شبکه حمایتی در دسترس برای افراد در فرهنگ‌ها و کشورهای متفاوت، تعیین‌کننده‌های آدابی هستند که افراد در آن احساس تنهایی را تجربه می‌کنند. اگر این فرض پذیرفته شود که تنهایی گویای روابط فرد با

به‌منظور اندازه‌گیری احساس تنهایی (مانند مفهوم‌سازی آن) انجام شده است، بیانگر تنوع و اختلاف نظر پژوهشگران در این زمینه است که به دو روی‌آورد متفاوت منتهی شده‌اند. در یک روی‌آورد، مقیاس‌های کلی و تک‌بعدی^۱، احساس تنهایی را به‌منزله یک پدیده واحد در نظر می‌گیرند (بدون توجه به آنچه موجب احساس تنهایی در افراد می‌شود) و بر اشتراک‌هایی تمرکز دارند که علت اصلی تجربه احساس تنهایی در افراد به‌حساب می‌آیند. در روی‌آورد دیگر، اندازه‌های چندبعدی^۲ سعی دارند بین تظاهرات مفروض احساس تنهایی تمایز ایجاد کنند. نخستین بار ویس (۱۹۷۳) احساس تنهایی را با دو ویژگی-انزوای هیجانی^۳ و انزوای اجتماعی^۴- معرفی کرد. انزوای هیجانی بر تعداد نامناسب یا فقدان دلبستگی‌های خانوادگی، دوستانه و ارتباطی دلالت دارد، در حالی‌که انزوای اجتماعی به‌وسیله فقدان شبکه‌های اجتماعی در دسترس ایجاد می‌شود و با تعداد نامناسب دوستان در ارتباط است. سپس برخی دیگر از مؤلفان (راسل، کاترنا، رز و یورکو، ۱۹۸۴؛ ویتنبرگ، ۱۹۸۶) بر دو بعد هیجانی و اجتماعی احساس تنهایی تأکید کردند. دیتوماسو و اسپینر (۱۹۹۳، ۱۹۹۷) نیز بر اساس یافته‌های ویس (۱۹۷۳) بعد هیجانی احساس تنهایی را به سه بعد خانوادگی، احساساتی^۵ و اجتماعی تفکیک کردند.

برخی از پژوهشگران نیز احساس تنهایی را با بیش از دو بعد در نظر می‌گیرند. برای نمونه، دهسیری، برجلی، شیخی و حبیبی (۱۳۸۷) سه عامل تنهایی ناشی از ارتباط با خانواده، تنهایی ناشی از ارتباط با دوستان و نشانه‌های عاطفی تنهایی، اشمیت و سرمت (۱۹۸۳) چهار مؤلفه^۶ جنسی-احساساتی، دوستانه، خانوادگی و در گروه‌های بزرگ‌تر، اسکالیس، گینتر و گرشتاين (۱۹۸۴) چهار بعد عاطفی، یعنی بی‌قراری^۷، اندوهگینی^۸، دوری‌گزینی^۹ و انزوای طلبی، روکچ و براک (۱۹۹۷) پنج بعد نابسندگی‌های شخصی^{۱۰}، نارسایی‌های تحولی^{۱۱}، روابط صمیمانه ناخرسند^{۱۲}، تغییر مکان و جدایی‌های معنادار^{۱۳} و ناچیز شمردن در اجتماع^{۱۴}، دی‌یانگ‌گیرولد (۱۹۸۷) سه وجه احساس تنهایی شامل شدت^{۱۵} (مانند ماهیت و گستره انزوای

1. unidimensional	6. component	11. developmental deficits	16. time perspective
2. multidimensional	7. agitation	12. unfulfilling intimate relationships	17. emotional characteristics
3. emotional isolation	8. dejection	13. relocation and significant separations	18. negative affect
4. social isolation	9. depletion	14. social marginality	19. individualistic
5. romantic	10. personal inadequacies	15. intensity	20. collective

مفهوم‌سازی احساس تنهایی، به‌ویژه به دلیل تنوع فرهنگ‌ها وجود دارد، در این پژوهش تلاش شده است تا مبانی مفهومی و زیربنایی احساس تنهایی در فرهنگ ایرانی، بر پایه گروه دانشجویان شناسایی و تبیین شود تا از این طریق، علاوه بر کشف عوامل تشکیل‌دهنده احساس تنهایی، امکان مقایسه آن با یافته‌های سایر فرهنگ‌ها نیز فراهم شود و یک چهارچوب نیرومند نظری و تجربی برای گسترش یک مقیاس اندازه‌گیری برای احساس تنهایی به‌دست آید.

روش

پژوهش حاضر بر اساس یک طرح اکتشافی و کاربرد روی‌آورد‌های کیفی، به‌ویژه روش تحلیل محتوا، انجام شد تا عوامل و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده احساس تنهایی با در نظر گرفتن جنبه‌های خاص فرهنگی شناسایی و مشخص شوند. برای این منظور داده‌های حاصل از بررسی متون نظری، تجربی و مقیاس‌های اندازه‌گیری احساس تنهایی، مصاحبه‌های تخصصی و ساختارنایافته با متخصصان و گروه نمونه و پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی^۱، مورد بررسی محتوایی قرار گرفتند. جامعه هدف این پژوهش دانشجویان (دختر و پسر) مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ بود.

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه در پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی

متغیر	n	%
جنس		
دختر	۹۴	۶۹/۶
پسر	۴۱	۳۰/۴
وضعیت تأهل		
متأهل	۴۸	۳۵/۶
مجرد	۸۷	۶۴/۴
رشته تحصیلی		
انسانی	۹۹	۷۳/۳
هنر	۸	۵/۹
فنی	۲۸	۲۰/۷

اجتماع است، می‌توان قبول کرد که تنوع بین‌فرهنگی و تفاوت در برقراری روابط اجتماعی مردم به تفاوت در ادراک، تجربه و مقابله با احساس تنهایی منجر می‌شود (روکچ، ۲۰۰۱؛ طهماسیان، اناری و صالح‌صدق‌پور، ۱۳۸۸؛ رحیم‌زاده، ۱۳۸۹ب). البته در این میان نقش مذهب را نباید نادیده گرفت. مذهب و ایمان از راهبردهای مقابله با احساس تنهایی به حساب می‌آیند (روکچ، ۱۹۹۶؛ واحدی، فتح‌آبادی و اکبری، ۱۳۸۹). به‌گونه کلی، اعمال مذهبی می‌توانند بین تنیدگی و سلامت روانی مانند یک سپر عمل کنند (لودر، مامری و شارکی، ۲۰۰۶). از این‌روست که ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در ارتباط تنگاتنگ با این احساس قرار دارند.

افزون‌براین برخی از پژوهشگران معتقدند با آنکه نوجوانان احساس تنهایی را بیشتر از هر گروه سنی دیگری تجربه می‌کنند، در اواخر نوجوانی و اوایل جوانی (سن دانشگاهی) ضریب خطر تجربه احساس تنهایی افزایش می‌یابد (دنیز، هامارتا و آری، ۲۰۰۵؛ کاترنا، ۱۹۸۲؛ انگ و منصور، ۲۰۱۲). دانشگاه یک دوره گذار از نوجوانی به بزرگسالی است. در واقع، این دوره برای دانشجویان فرصتی برای جست‌وجو و ارضای احساس فردیت و منحصربه‌فردی و در عین حال، جست‌وجو برای برقراری روابط اجتماعی نزدیک با دیگران است. بسیاری از دانشجویان شاید برای نخستین بار از اعضای خانواده، و حمایت اجتماعی و عاطفی آنها دور می‌شوند و چون خانه و دوستان نزدیک خود را ترک کرده‌اند، برای نخستین بار احساس شک، سردرگمی و اضطراب می‌کنند به‌گونه‌ای که حتی برقراری روابط نزدیک نیز نمی‌تواند مانع از آن شود (اوزدمیر و تان‌کی، ۲۰۰۸). با ورود به دانشگاه، در دانشجویان نیاز به ارزیابی دوباره خود نسبت به روابط گذشته با خانواده، دوستان و غیره تقویت می‌شود و چنانچه این فرایند به‌درستی شکل نگیرد، ویژگی‌هایی خود را متفاوت از دیگران در نظر می‌گیرند و خود را به دور از آنها می‌یابند. بنابراین دانشجویان می‌توانند مناسب‌ترین گروه برای مشخص ساختن عوامل تشکیل‌دهنده احساس تنهایی در نظر گرفته شوند. با توجه به آنچه بیان شد و به دلیل گوناگونی و اختلاف‌هایی که در

آوردن داده‌های لازم برای تحلیل محتوا، به‌گونه تصادفی انتخاب شدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این گروه در جدول ۱ نشان داده شده‌اند.

به منظور تبیین مبانی مفهومی احساس تنهایی و به بیان دیگر، مفهوم‌سازی این سازه در جامعه دانشجویان، داده‌های این مطالعه کیفی از چهار منبع به شرح زیر استخراج شدند:

پیشینه نظری، تجربی و مقیاس‌های اندازه‌گیری احساس

تنهایی: فهرست مربوط به منابع اصلی مورد استفاده و نیز ابزارهای اندازه‌گیری احساس تنهایی به ترتیب در جدول‌های ۲ و ۳ منعکس شده‌اند. برای این منظور، ۱۰ نفر (چهار زن و شش مرد با دامنه سنی ۳۰ تا ۷۷ سال) از مشاوران،

از این جامعه بر پایه طرح پژوهش، نخست ۱۰ دانشجوی (شش دختر و چهار پسر، میانگین و انحراف استاندارد سنی به ترتیب در حدود ۲۱ و یک سال) برای انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به صورت غیرتصادفی (داوطلبانه) انتخاب شدند. تعداد دو نفر دانشجوی دانشگاه‌های دولتی و هشت نفر از دانشگاه آزاد اسلامی، نه نفر در مقطع کارشناسی و یک نفر در مقطع کارشناسی‌ارشد و هفت، دو و یک نفر به ترتیب در رشته‌های فنی، انسانی و علوم پایه مشغول به تحصیل بودند.^۱ در مرحله دوم، تعداد ۱۳۵ دانشجوی به‌منظور پاسخ به پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی و تکمیل یافته‌های حاصل از مصاحبه، بررسی گسترده‌تر عوامل و منابع احساس تنهایی، و نیز فراهم

جدول ۲

منابع اصلی مورد استفاده احساس تنهایی

نام منبع	مؤلف
احساس تنهایی و عشق	موستاکاس (۱۹۷۲)
احساس تنهایی: تجربه انزوای هیجانی و اجتماعی	ویس (۱۹۷۳)
احساس تنهایی: منبعی از نظریه، پژوهش و درمانگری کنونی	پپلو و پرلمن (۱۹۸۲)
مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس احساس تنهایی UCLA: مطالعه‌ای در دانشجویان ایرانی	حجت (۱۹۸۲ الف)
احساس تنهایی به‌عنوان کنش روابط والد-کودک و همگن	حجت (۱۹۸۲ ب)
احساس تنهایی به‌عنوان کنش متغیرهای شخصیتی منتخب	حجت (۱۹۸۲ پ)
گسترش و آزمون یک مدل احساس تنهایی	دی‌یانگ‌گیرولد (۱۹۸۷)
احساس تنهایی، نظریه، پژوهش و کاربرد	حجت و کراندال (۱۹۸۹)
فاعلیت احساس تنهایی و مقابله با آن	روکچ (۱۹۹۶)
احساس تنهایی و اثرات تغییرات زندگی	روکچ و براک (۱۹۹۷)
مروری بر احساس تنهایی: مفهوم و تعاریف، تعیین‌کننده‌ها و پیامدها	دی‌یانگ‌گیرولد (۱۹۹۸)
مفهوم‌سازی و اندازه‌های احساس تنهایی: مقایسه زیرمقیاس‌ها	کرامر و بری (۱۹۹۹)
علل ادراک شده احساس تنهایی: یک مقایسه بین فرهنگی	روکچ (۲۰۰۱)
احساس تنهایی: همبسته‌های شخصیتی و پیامدهای روانی - فیزیولوژیکی	فلوید (۲۰۰۲)
ویژگی‌های روایی و اندازه‌گیری نسخه کوتاه‌شده مقیاس هیجانی و اجتماعی احساس تنهایی برای بزرگسالان	دیتوماسو، برنن و بست (۲۰۰۴)
دانشگاه و ویژگی‌های ارتباطی: یک مقایسه بین فرهنگی از ریخت‌های مختلف دلبستگی و احساس تنهایی در دانشجویان کانادایی و چینی	دیتوماسو، برنن و برجس (۲۰۰۵)
احساس تنهایی در محل کار	رایت (۲۰۰۵)
تأثیر خوداثربخشی اجتماعی، حرمت خود و تفاوت‌های شخصیتی بر احساس تنهایی و افسردگی	هرمن (۲۰۰۵)
پیش‌بین‌های احساس تنهایی در بزرگسالان بالای ۶۵ سال آمریکایی	تیکه (۲۰۰۹)
احساس تنهایی هستی‌گرا و نهایت مراقبت: یک مرور نظام‌دار	اتما، درکسن و لون (۲۰۱۰)
احساس تنهایی، دلبستگی و ادراک و کاربرد حمایت اجتماعی در دانشجویان	برناردون، بب، حکیم-لارسون و گرج (۲۰۱۱)
هنجارهایی نسخه تجدیدنظرشده مقیاس احساس تنهایی UCLA برای دختران ۱۲ تا ۱۸ ساله در تهران	داوریناه (۱۳۷۳)
بهنجارکردن مقیاس تنهایی UCLA (نسخه سوم) در دانشجویان مقیم تهران	بحیرایی (۱۳۷۸)
رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر	خویی‌نژاد و دیگران (۱۳۸۶)
توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش‌آموز	لعلی‌فاز و عسگری (۱۳۸۷)
احساس تنهایی و خوداثربخشی اجتماعی در نوجوانان	رحیم‌زاده و دیگران (۱۳۸۸)

۱. پس از اجرای شش مصاحبه با دانشجویان، که متن کامل آنها ضبط شده بود، تشخیص داده شد که تقریباً از لحاظ شناسایی عوامل و متغیرها اشباع صورت گرفته است، اما برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها تا ۱۰ دانشجوی ادامه یافتند.

یافته‌ها

(۱) مقیاس‌ها، متون نظری و تجربی احساس تنهایی: نتایج

مربوط به تحلیل کیفی نخستین منبع پژوهش به‌گونه خلاصه، در جدول ۴ نشان داده شده‌اند.

همان‌گونه که در جدول ۴ دیده می‌شود ستون یکم، با عنوان عامل، نشان‌دهنده عوامل تشکیل‌دهنده احساس تنهایی است. نتایج تحلیل محتوای متون و تعاریف مربوط به احساس تنهایی و مقیاس‌های اندازه‌گیری آن نشان دادند برای این سازه می‌توان هفت عامل اساسی را مشخص کرد. این عوامل بر اساس اهمیت، فراوانی تکرار در مقیاس‌ها و پرسشنامه‌ها و نیز تعریف منسجم‌تر در ستون یکم فهرست شده‌اند.

دو عامل هیجانی و اجتماعی احساس تنهایی در هر دو دیدگاه تک‌بعدی و چندبعدی به‌عنوان یکی از مبانی زیربنایی در نظر گرفته شده‌اند. مؤلفه‌های این دو عامل به تمام تعاریف و مفهوم‌سازی‌های احساس تنهایی پوشش می‌دهند و در تمام مقیاس‌ها از عبارات‌ها و ماده‌هایی که به نوعی این دو عامل را

روان‌شناسان و درمانگرانی که در مراکز مشاوره‌ای و خدمات روان‌شناختی (به‌ویژه دانشجویی) با سابقه‌ای بین شش تا ۴۵ سال مشغول به‌کار بودند به‌گونه غیرتصادفی انتخاب شدند. هر مصاحبه به شکل عمیق و بدون ساختار و در دامنه ۳۰ تا ۱۰۰ دقیقه انجام و ضبط می‌شد.

مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و انفرادی با دانشجویان: هدف از این

مصاحبه، که به‌طور متوسط ۴۰ دقیقه به طول انجامید، شناسایی عوامل زیربنایی احساس تنهایی از دیدگاه دانشجویان بود.

پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی: به‌منظور بررسی

عوامل و مؤلفه‌های زیربنایی احساس تنهایی، این پرسشنامه با سه سؤال (عبارت ناتمام الف) به نظر من احساس تنهایی (یعنی: ...، ب) موقعی احساس تنهایی می‌کنم که: ... و پ) موقعی احساس تنهایی نمی‌کنم که: ...، تهیه شد و به‌صورت گروهی در بین دانشجویان توزیع شد.

داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا و روش‌های متداول در آمار توصیفی تحلیل شدند.

جدول ۳

ابزارهای اندازه‌گیری احساس تنهایی

مؤلف و تاریخ	نام ابزار	تعداد ماده	عوامل
بلچر (۱۹۷۳)	مقیاس احساس تنهایی بلچر	۶۰	هشت عامل: احساس تنهایی آسیب‌شناختی، بیگانگی، اضطراب تنهایی، احساس تنهایی هستی‌گرا، غربت، بی‌هنجاری، افسردگی تنهایی، جدایی
راسل، پیلو و کاترونا (۱۹۸۰) اشمیت و سرمت (۱۹۸۳)	مقیاس بازنگری‌شده احساس تنهایی UCLA مقیاس احساس تنهایی افتراقی	۲۰ ۶۰	تک‌بعدی: ۹ ماده مثبت و ۱۱ ماده منفی روابط اجتماعی چهارزیرمقیاس: جنسی - احساساتی، دوستانه، خانوادگی، گروه‌های بزرگ‌تر
اسکالیس و دیگران (۱۹۸۴) راسل و دیگران (۱۹۸۴)	مقیاس درجه‌بندی احساس تنهایی مقیاس احساس تنهایی اجتماعی و هیجانی	۴۰ ۲	چهار بعد عاطفی: بی‌قراری، اندوهگینی، دوری‌گزینی، انزواطلبی دو زیرمقیاس: اجتماعی، هیجانی
دی‌یانگ‌گیرولد و کمفویس (۱۹۸۵)	مقیاس احساس تنهایی دی‌یانگ‌گیرولد	۲۸	پنج زیرمقیاس: محرومیت شدید، رهاشدگی، فقدان همدم، فقدان جامعه‌طلبی، فقدان روابط با معنا
ویتنبرگ (۱۹۸۶)	مقیاس احساس تنهایی اجتماعی در مقابل هیجانی ویتنبرگ	۱۰	دو زیرمقیاس: اجتماعی، هیجانی
دیتوماسو و اسپینر (۱۹۹۳، ۱۹۹۷)	مقیاس احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی در بزرگسالان	۳۷	سه زیرمقیاس: احساساتی، خانوادگی، اجتماعی
مایرز، خو و اسواتبرگ (۲۰۰۲) دیتوماسو و دیگران (۲۰۰۴)	پرسشنامه احساس تنهایی هستی‌گرا فرم کوتاه‌شده مقیاس احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی در بزرگسالان	۲۲ ۱۵	تک‌بعدی سه زیرمقیاس: احساساتی، خانوادگی، اجتماعی
دهشیری و دیگران (۱۳۸۷)	مقیاس احساس تنهایی	۳۸	سه زیرمقیاس: تنهایی ناشی از روابط خانوادگی، تنهایی ناشی از روابط با دوستان، نشانه‌های عاطفی تنهایی

۱. پس از اجرای چهار مصاحبه با متخصصان از لحاظ شناسایی عوامل و متغیرها، اشباع صورت گرفت، اما به‌منظور اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها تا ۱۰ متخصص ادامه یافتند.

اندازه‌گیری می‌کنند، استفاده شده‌اند. در دیدگاه تک‌بعدی، این دو عامل از یکدیگر متمایز نمی‌شوند. از این رو ماده‌های مقیاس‌های تک‌بعدی بر اساس یک زیربنای مشترک که حاصل یکپارچه‌سازی این دو عامل است، تهیه شده‌اند. اما در مقیاس‌ها و دیدگاه‌هایی که به چندبعدی بودن احساس تنهایی گرایش دارند، جداسازی بین دو عامل هیجانی و اجتماعی حداقل تلاشی است که برای تبیین ساختار عاملی آن انجام می‌دهند. همان‌گونه که در جدول ۳ دیده می‌شود مؤلفان متعددی (برای مثال، راسل و دیگران، ۱۹۸۴؛ ویتنبرگ، ۱۹۸۶) با توجه به این دو عامل مقیاس احساس تنهایی را ساخته‌اند. برخی مؤلفان که تمایل بیشتری به ساده‌سازی و روشن‌تر ساختن ساختار احساس تنهایی دارند، احساس تنهایی هیجانی را که به‌گونه

خلاصه می‌توان آن را به ادراک فرد از نارسایی در زمینه صمیمیت و احساس تعلق تعریف کرد که ریشه در تحول دلبستگی دارد، به‌صورت متمایز یافته‌تری در ارتباط با خانواده و روابط عاشقانه مطرح کرده‌اند. از این رو عامل خانوادگی عاملی است که پس از هیجانی و اجتماعی، بیشترین فراوانی را در مقیاس‌های اندازه‌گیری و منابع نظری و تجربی احساس تنهایی در بسیاری از فرهنگ‌ها (برای مثال، اشمیت و سمرت، ۱۹۸۳؛ دیتوماسو و دیگران، ۲۰۰۴؛ دهسیری و دیگران، ۱۳۸۷) دارد. این عامل، مؤلفه‌هایی مانند احساس نزدیکی و تعلق به خانواده، داشتن نقاط مشترک با اعضای خانواده (عقاید، باورها)، دریافت حمایت جانی، عاطفی و مالی، اهمیت داشتن برای خانواده و بیان احساس‌های عمیق در خانواده را دربر می‌گیرد.

جدول ۴

عامل، تعریف و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده احساس تنهایی بر اساس بررسی متون و مقیاس‌های اندازه‌گیری و نمونه‌هایی از آنها

عامل	تعریف	مؤلفه	نمونه
هیجانی	تجربه احساس فاعلی منفی	نیاز به صمیمیت / طردشدگی / ادراک عدم تعلق / بی‌لذتی / بدبینی / زودرنجی	ویس (۱۹۷۳)؛ حجت (۱۹۸۲الف)؛ اسکالیس و دیگران (۱۹۸۴)؛ دی‌بانگ‌گیرولد و کمفویس (۱۹۸۵)؛ ویتنبرگ (۱۹۸۶)؛ دیتوماسو و اسپینر (۱۹۹۳)؛ حجت (۲۰۰۷)؛ دهسیری و دیگران (۱۳۸۷)
اجتماعی	ناهمخوانی بین روابط اجتماعی واقعی و موردنیاز فرد	نارضایتی از روابط بین فردی / تعلق به گروه / مشارکت و اعتماد به دیگران	ویس (۱۹۷۶)؛ پیلو و پرلمن (۱۹۸۲)؛ راسل و دیگران (۱۹۸۰)؛ راسل و دیگران (۱۹۸۴)؛ ویتنبرگ (۱۹۸۶)؛ کرامر و بری (۱۹۹۹)؛ برناردون و دیگران (۲۰۱۱)
خانوادگی	نارضایتی فاعلی از روابط با خانواده	احساس نزدیکی و تعلق به خانواده / حمایت عاطفی / عقاید و باورهای مشترک با خانواده	حجت (۱۹۸۲پ)؛ اشمیت و سمرت (۱۹۸۳)؛ کرامر و بری (۱۹۹۹)؛ دیتوماسو و دیگران (۲۰۰۴)؛ دهسیری و دیگران (۱۳۸۷)
احساساتی	عدم وجود رابطه عاشقانه ارضاکنده	نداشتن همراه مناسب برای تقسیم غم و شادی / دریافت حمایت از یک رابطه صمیمی	اشمیت و سمرت (۱۹۸۳)؛ دیتوماسو (۱۹۹۷)؛ دیتوماسو و دیگران (۲۰۰۴)؛ برناردون و دیگران (۲۰۱۱)
دوستان	نارسایی‌های کمی و کیفی در ارتباط با دوستان	تعامل عاطفی با دوستان / نداشتن دوست صمیمی و همدل / عدم حمایت دوستان	حجت (۱۹۸۲ب)؛ اشمیت و سمرت (۱۹۸۳)؛ دیتوماسو و دیگران (۲۰۰۵)؛ دهسیری و دیگران (۱۳۸۷)
گروه‌های بزرگ‌تر	عدم وجود روابط محلی، فرهنگی، ورزشی و دانشجویی	عدم تعلق به گروه (اجتماعی، همگانی، همسایگی) / دریافت حمایت در محل زندگی	اشمیت و سمرت (۱۹۸۳)؛ برناردون و دیگران (۲۰۱۱)
هستی‌گرا	شرایط وجودی نخستین و اجتناب‌ناپذیر هستی که راه‌حل دائمی ندارد.	حس سازندگی و جداسازی زندگی از تنهایی و ناامیدی و معنا دادن به آن	موستاکاس (۱۹۷۲)؛ بلچر (۱۹۷۳)؛ مایرز و دیگران (۲۰۰۲)؛ اتما و دیگران (۲۰۱۰)

توجه: منابعی که به صورت ایتالیک نوشته شده‌اند، مربوط به مقیاس‌های اندازه‌گیری احساس تنهایی هستند.

می‌دهد. بنابراین این نوع احساس تنهایی را نمی‌توان به‌عنوان یکی از عامل‌های تشکیل‌دهنده احساس تنهایی در نظر گرفت. **(۲) مصاحبه با متخصصان:** به‌منظور درک روشن‌تر و ساده‌تر یافته‌های حاصل از مصاحبه، نتایج به‌صورت طبقه‌بندی‌شده در جدول ۵ منعکس شده‌اند.

چنان‌که در جدول ۵ دیده می‌شود، مؤلفه‌ها و عوامل احساس تنهایی به‌دست‌آمده از مصاحبه با متخصصان را می‌توان در پنج طبقه قرار داد. نخستین یا به عبارت دیگر فراوان‌ترین عامل به ادراک احساس‌ها و هیجان‌های فرد در موقعیت احساس تنهایی مربوط می‌شود که مؤلفه‌های آن مانند بی‌هیجانی، احساس طردشدگی، رهاشدگی، کنار گذاشته شدن، دوست داشته نشدن، عدم صمیمیت، ترس از دست دادن دیگران، احساس متفاوت بودن و داشتن انتظار بیش از حد از دیگران به‌روشنی گویای آنهاست. با توجه به تأکید همه متخصصان بر جنبه فاعلی مؤلفه‌های این عامل، می‌توان عامل نخست را هیجانی/فردی نامید.

محور اصلی دو عامل مهم دیگری که اکثر متخصصان در ساختار نظری و تجربی احساس تنهایی به آن اشاره داشتند، مهارت‌های ارتباطی فرد است که در عامل‌های دوم و سوم جدول ۴ دیده می‌شوند. عامل دوم به‌طور کلی به احساس تنهایی ناشی از عدم رابطه فرد با دیگران (دوست، همکلاسی، همکار، همسایه، ...) اختصاص دارد. از جمله عمده‌ترین مؤلفه‌های این عامل می‌توان به نداشتن همفکر، درک نشدن توسط دیگران، عدم تعامل با دیگران، بی‌محبی و بی‌توجهی، بی‌مهارتی در برقراری ارتباط با دیگران و حفظ آن، نداشتن دوست (صمیمی)، نداشتن پشتیبان عاطفی و روانی، روابط سطحی، مقایسه‌های اجتماعی و دریافت تفاوت با دیگران اشاره کرد.

مؤلفه‌های عامل سوم که متخصصان در قلمرو ارتباطی فرد آن را از دیگران جدا کردند، اختصاصاً روابط فرد را با خانواده منعکس می‌سازند. مؤلفه‌هایی که متخصصان برای این عامل اظهار داشته‌اند تا اندازه‌ای مشابه عامل خانواده در منابع نظری و تجربی احساس تنهایی (عدم درک توسط خانواده،

عامل احساساتی که احساس تنهایی مربوط به آن بیشتر به عدم وجود رابطه عاشقانه و ارضاکنده نیازهای حمایتی و عاطفی، نداشتن یک همراه (همسر) دوست‌داشتنی و شریک غم و شادی، تعریف و گاهی اوقات نیز در روابط جنسی منعکس می‌شود، در برخی مقیاس‌ها (اشمیت و سرمت، ۱۹۸۳؛ دیتوماسو، ۱۹۹۷؛ دیتوماسو و دیگران، ۲۰۰۴) جداگانه مطرح شده است. به‌نظر می‌رسد برجسته کردن این عامل در تحول دلبستگی که در متون به صراحت بیان می‌شود، بیشتر از سایر عامل‌های احساس تنهایی بسته به شرایط اجتماعی باشد.

رابطه فرد با دیگران که در برخی از منابع و مقیاس‌ها به دو بخش دوستان و گروه‌های بزرگ‌تر تقسیم می‌شود از جمله عوامل تشکیل‌دهنده احساس تنهایی است که در واقع می‌توان آنها را زیرمجموعه‌ای از احساس تنهایی اجتماعی دانست. کیفیت و کمیت روابط دوستانه، تعامل عاطفی با همگنان، بیان مشکلات، مسائل و احساس‌ها با آنها و دریافت حمایت‌های عاطفی و فکری از جمله مؤلفه‌های اصلی عامل دوستان (اشمیت و سرمت، ۱۹۸۳؛ دهشیری و دیگران، ۱۳۸۷) و احساس عدم تعلق به گروه‌های فرهنگی، ورزشی و دانشجویی و نیز احساس نداشتن جایگاه شایسته و تعامل‌های موردنظر در گروه‌های اجتماعی، همسایگی و تحصیلی از جمله مؤلفه‌های احساس تنهایی در عامل گروه‌های بزرگ‌تر (اشمیت و سرمت، ۱۹۸۳) را تشکیل می‌دهد. عامل گروه‌های بزرگ‌تر (پیوندجویی گروهی) تنها در معدودی از مقیاس‌ها اندازه‌گیری می‌شود.

هر چند احساس تنهایی هستی‌گرا از آغاز مطالعه احساس تنهایی تاکنون همواره در متون و مقیاس‌ها، مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته، اما اغلب به‌صورت یک مفهوم مستقل مطرح می‌شود که از لحاظ ساختار با مفهوم احساس تنهایی متفاوت است یا می‌توان گفت در شرایط خاصی احساس می‌شود. در واقع صاحب‌نظران (برای مثال، بلچر، ۱۹۷۳؛ مایرز و دیگران، ۲۰۰۲؛ اتما و دیگران، ۲۰۱۰) معتقدند احساس تنهایی هستی‌گرا در هر فردی به‌صورت فطری وجود دارد و به احساس زیربنایی بشر که در دنیا تنهاست، مربوط می‌شود. اما، هشیار شدن نسبت به آن در هنگام خطر یا مواجهه با مرگ رخ

تعریف و مفهوم‌سازی احساس تنهایی در پیشینه نظری و تجربی است و بیشتر سطح رشدیافتگی فرد را منعکس می‌سازد. به‌گونه کلی جمع‌بندی نظرات مؤلفان بیانگر آن است که این نوع احساس تنهایی می‌تواند مثبت و سبب تحول فرد باشد، اما همواره این‌گونه نیست و گاه به بدترین تجربه احساس تنهایی منجر می‌شود.

آخرین عاملی که متخصصان به آن اشاره کرده‌اند به تکیه‌گاه‌های روانی فرد پوشش می‌دهد که از دست دادن آنها موجب احساس تنهایی می‌شود. این عامل که به‌نظر می‌رسد جنبه فرهنگی و اجتماعی آن زیاد باشد، دارای دو جنبه رابطه فرد

احساس تنهایی در خانواده) و تا اندازه‌ای متفاوت با آنهاست (مانند انتظارهای والدین، کنار گذاشته شدن). در هر حال این عامل نسبت به سایر عامل‌ها فراوانی کم‌تری دارد.

مفهوم دیگری که از مصاحبه با متخصصان به‌دست آمد شبیه به ساختار احساس تنهایی هستی‌گراست. تحلیل مؤلفه‌های این عامل - مانند احساس بی‌همتایی و منحصربه‌فردی، اجتناب‌ناپذیر بودن احساس تنهایی، تجربه‌های هیجانی متمایز از افراد دیگر و احساس جلوتر بودن از زمان خویش - نشان داد تا اندازه‌ای متفاوت از

جدول ۵

عوامل، تعریف و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده احساس تنهایی بر اساس مصاحبه با متخصصان

عوامل	تعریف	مؤلفه
هیجانی / فردی	تجربه احساس فاعلی منفی یا ناخوشایند/ برآورده نشدن خواسته‌ها (عاطفی) و انتظارها (عقلانی)	- دل‌تنگی مبهم (بدون منبع مشخص) / غمگینی / ناراحتی / درماندگی / جای خالی در سینه / هوایی که به اطراف سینه فشار می‌آورد. - داشتن نقش‌های متفاوت در زندگی (مسئولیت ناخواسته) / عدم صمیمیت - عدم ارضای نیازها (نیازهای شناختی، عاطفی و پیشرفت) / ناتوانی در بیان (احساس‌ها) بی‌هیجانی / احساس طردشدگی / رهاشدگی / کنار گذاشته شدن - ترس از دست دادن دیگران / احساس متفاوت بودن / داشتن انتظار بیش از حد از دیگران - دوست داشته نشدن / تنش‌ها / تجربه‌های ناخوشایند / احساس نارضایتی / ناکامی - خستگی (خسته شدن از خود) / بیگانه شدن با خود / بی‌حوصلگی / کسالت - نداشتن همراه، همدم، همفکر و هم‌زبان / بی‌کس - کمبود روابط جایگزینی / پیدا نکردن جانشین برای دوستی که رفته است. - درک نشدن توسط دیگران / عدم تبادل با دیگران / بی‌محبی و بی‌توجهی / بی‌مهارتی در برقراری ارتباط با دیگران و حفظ آن / عدم درگیری با مسائل ارتباطی و اجتماعی - نداشتن دوست (صمیمی) / نداشتن پشتیبان عاطفی و روانی / روابط سطحی - طبقه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت / مقایسه خود با دیگران و تفاوت داشتن با آنها - هیچ‌کس مثل من نیست. / این آدم‌ها منو نمی‌فهمند. / عمیقاً متفاوت بودن با دیگران - عدم درک توسط خانواده / احساس تنهایی در خانواده / انتظارهای والدین / کنار گذاشته شدن توسط خانواده / پدر و مادر با شخصیت منفی - بی‌همتایی و منحصربه‌فرد بودن / محصول درک بی‌نظیری / اجتناب‌ناپذیر بودن احساس تنهایی / این تجربه هیجانی که کس دیگری مثل فرد نیست. / جلوتر بودن از زمان خویش - ناتوانی در راز و نیاز، عبادت و صحبت با خدا / از دست دادن خدا / تصویر موقتی بودن و بازگشت‌پذیر بودن همه چیز / تصویر برآورده شدن خواسته‌ها / مشغول نبودن با کتاب‌ها، نوشته‌ها، فعالیت‌هایی مانند ورزش، موسیقی، فیلم، ...
ارتباطی / اجتماعی	نارضایتی از کمیّت یا کیفیت روابط اجتماعی / رگه یا حالت در رابطه با برآورده نشدن خواسته‌ها و نیازهای ارتباطی	
ارتباطی / خانوادگی	ادراک نارسایی در روابط خانوادگی / کیفیت رابطه با خانواده	
هستی‌گرا	تنهایی انسان به‌عنوان یک نوع	
مذهبی / معنوی	دور شدن از خداوند (همدم قدرتمند، یاری‌رسان، پذیرنده، حمایت‌کننده) / عدم فعالیت مورد رغبت	

نبودن با کتاب‌ها، نوشته‌ها، فعالیت‌هایی مانند ورزش، موسیقی، تماشای فیلم، می‌توان این عامل را مذهبی / معنوی نامید. افزون‌بر این عوامل، متخصصان به مؤلفه‌هایی اشاره داشتند که از یک‌سو آن‌قدر بارز نبودند که یک عامل را

با خدا، ایمان و انجام دادن اعمال مذهبی، و دیگری فعالیت‌های ارضاکننده است. با توجه به مؤلفه‌های آن، مانند ناتوانی در راز و نیاز، عبادت و صحبت با خدا، احساس از دست دادن خدا، تصویر موقتی بودن و بازگشت‌ناپذیر بودن همه چیز، مشغول

منو نمی‌فهمند)، مؤلفه‌های ارتباطی هستند. همچنین این مؤلفه‌ها می‌توانند به دلیل درک بی‌نظیری و منحصر به فرد بودن در عامل هستی‌گرایی طبقه‌بندی شوند.

(۳) مصاحبه با دانشجویان: یافته‌های حاصل از مصاحبه با دانشجویان در چهار عامل طبقه‌بندی شدند (جدول ۶).

تشکیل دهند و از سوی دیگر، به دلیل ماهیت چندگانه آنها در عوامل مختلف طبقه‌بندی می‌شدند. مؤلفه‌هایی مانند احساس متفاوت بودن یا ناهمخوانی در بازخوردها، یک احساس فردی است که می‌توان آن را در عامل هیجانی/فردی قرار داد، مقایسه خود با دیگران و تفاوت داشتن با آنها (مانند این آدم‌ها

جدول ۶

عوامل، تعریف و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده احساس تنهایی بر اساس مصاحبه با دانشجویان

عامل	تعریف	مؤلفه
هیجانی/فردی	تجربه احساس فاعلی منفی	- تاریکی/سوت و کوری/سکوت/سیاهی/خلاً/کنج عزلت/کنکور/سردی هوا/بن‌بست/همیشگی/غم/کلافگی/خستگی/تمایل به تغییر جا/آرامش و بی‌هیجانی/قرار نیست اتفاقی بیفتد/احساس پوچی عذاب‌آور/احساس پیری - آدم غیردوست‌داشتنی/زندگی بی‌پرده/پردشگی/از همه زده‌شدن/نداشتن دلخوشی - عدم رضای نیازها در لحظه مورد نظر/عدم بیان احساس‌ها/ناکامی/بی‌امیدی - بی‌هدفی/بیکاری/زندگی بی‌پرده/دلتنگی برای دغدغه‌های زندگی - بی‌اعتمادی/عدم صداقت/عدم اشتراک/حسادت/احساس بی‌کسی - احساساتی/زودرنجی/اضطراب/ترس/کمال‌گرایی/به دوش کشیدن بار سنگین همه چیز شخصاً/بدبختی/ناراحتی
ارتباطی	ارتباط با دیگران، خانواده و دوستان/ارزشیابی توسط دیگران	- نداشتن همدم، هم‌صحبت، هم‌دل، هم‌راز، هم‌مرد، همراه، مشاور، دوست/کسی نیست که حرف‌هایم را گوش کند./کسی نیست که به دادت برسد./بدون کمک‌رسان/کمیت روابط - ناتوانی در برقراری رابطه با دیگران/کسی را نداری/کسی تو را نمی‌فهمد/ناتوان از ارتباط گرفتن (با دیگران و خود)/عدم اعتماد و ارتباط متقابل/روابط اجتماعی ضعیف - دیده نشدن/اهمیت نداشتن برای خانواده، دوستان، اطرافیان/دیگران مرا شریک غم و شادی خود نکنند. - افراد مورد قبول زندگی روزی او را تنها بگذارند/دوری از خانواده، دوستان و افراد مورد علاقه/جدایی/عدم حضور فیزیکی دیگران - متفاوت بودن با دیگران/تفاوت در عقاید و باورها/ناهمخوانی با دیگران/ناهمخوانی بازخوردها - احساس خوب نبودن به دلیل تنها گذاشته شدن توسط دیگران/سرزنش و انتقاد دیگران - عدم درک پدر و مادر/در میان نگذاشتن مسائل با خانواده/ایجاد محدودیت/اجبارها به‌ویژه از طرف خانواده/فشار خانوادگی
احساساتی	روابط عاشقانه (متعلق بودن به کسی و کسی را داشتن)	- احساس عدم تعلق/نداشتن فردی برای ابراز احساس‌ها و عواطف/نداشتن پشتوانه احساسی و عاطفی/محبوب نبودن برای همسر/طرد شدن از طرف فرد مورد علاقه
مذهبی/معنوی	رابطه با خدا/داشتن فعالیت دلخواه	- عدم اعتقاد به خدا/صحبت نکردن با خدا/عبادت نکردن/واگذاری همه چیز به یک نیروی ماورایی/عدم موفقیت/عدم اشتغال/نداشتن مطالعه و سرگرمی/تدوین فیلم/زدن‌ساز/هر کار هنری

توسط آنهاست. مؤلفه‌هایی مانند ناتوانی در برقراری ارتباط با خود و دیگران، نداشتن دوست، همراه، هم‌مرد، هم‌فکر، اهمیت نداشتن، دیده نشدن، عدم درک توسط خانواده و دیگران، اهمیت نداشتن، سرزنش شدن، داشتن عقاید و باورهای متفاوت و به‌طور کلی ناهمخوانی با دیگران از مهم‌ترین مؤلفه‌های این عامل است. یکی از این مؤلفه‌ها که در ارتباط و مقایسه با دیگران بیشتر معنا پیدا می‌کند، احساس

نخستین عامل، همانند دو منبع قبلی (بررسی متون و مصاحبه با متخصصان)، به هیجان‌ها و احساس‌های درونی فرد در تجربه احساس تنهایی اختصاص دارد. مؤلفه‌های آن مانند خلاً، پوچی، ناکامی، دلتنگی، پردشگی، بی‌هدفی و بدبختی به‌صراحت بیانگر این احساس‌ها هستند. دومین عامل با بالاترین فراوانی دربرگیرنده مؤلفه‌های ارتباطی فرد با دیگران (خانواده و دوستان) و تعامل این ارتباطها، یعنی ارزشیابی فرد

است. به‌گونه کلی مؤلفه‌هایی مانند ناامیدی و ناکامی، بی‌اعتمادی به دیگران و وابستگی تنها توسط دختران بیان شده‌اند.

مؤلفه‌های دیگری که بیشترین فراوانی را در بین دانشجویان داشتند، روابط اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی بودند. به دلیل گستردگی و دامنه شمول این مؤلفه‌ها، نتایج تحلیل محتوای پاسخ‌ها در چهار عامل ارتباط با دیگران، خانواده، دوستان و گروه‌های بزرگ‌تر (پیوندجویی گروهی) طبقه‌بندی شده‌اند. بالاترین فراوانی در عامل اجتماعی/ارتباطی با دیگران (جدول ۸) دیده می‌شود.

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهند دختران مؤلفه‌های موجود در عامل اجتماعی/ارتباطی با دیگران را در مجموع ۲۱۵ بار و پسران ۷۲ بار بیان کرده‌اند. به‌گونه کلی مؤلفه‌های این عامل به روابط فرد با دیگران (بدون آنکه دیگری مشخص باشد) پوشش می‌دهند. به نظر می‌رسد نظر هر دو جنس در این عامل به یکدیگر نزدیک‌تر است. نداشتن همفکر، همدم، هم‌صحبت یا همراه از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های این عامل به حساب می‌آیند.

افزون‌بر این نداشتن نقاط مشترک یا احساس متفاوت بودن با دیگران نیز در این عامل فراوانی بالایی هم در گروه دختران و هم در گروه پسران دارد (نکته‌ای که در مصاحبه با متخصصان و دانشجویان نیز دریافت می‌شد). بعد از این مؤلفه، عدم درک از سوی دیگران، بی‌توجهی و اهمیت نداشتن برای دیگران، نداشتن پشتیبان عاطفی و عدم تعامل ارتباطی، مؤلفه‌هایی هستند که فراوانی بالایی را در هر دو جنس به خود اختصاص داده‌اند.

نتایج بررسی عامل رابطه با خانواده در جدول ۹ نشان داده شده است. با نگاهی به این جدول می‌توان دریافت که برای دانشجویان کمیّت و کیفیت رابطه با خانواده، پس از ارتباط با دیگران، اهمیت بیشتری دارد به‌گونه‌ای که فقدان آن به تجربه احساس تنهایی منجر می‌شود. هر دو جنس بر مؤلفه‌هایی مانند همراهی خانواده در مهمانی‌ها و سفرها، هم‌احساسی با خانواده، بیان مشکلات در خانواده و پشتیبانی خانواده، در عدم تجربه احساس تنهایی تأکید داشته‌اند.

متفاوت بودن از دیگران و نوعی احساس منحصر به فرد بودن در ساختار و محتوای عقاید، باورهاست، و تا اندازه زیادی به مؤلفه‌هایی شباهت دارد که در تحلیل پاسخ‌های متخصصان در عوامل مختلف طبقه‌بندی می‌شدند.

تحلیل محتوای مصاحبه‌ها نشان دادند برای دانشجویان رابطه دیگری نیز اهمیت ویژه‌ای دارد که به نظر می‌رسد فقدان آن به تجربه احساس تنهایی منجر می‌شود. رابطه صمیمانه با شخصی غیر هم‌جنس و مورد علاقه (همسر یا غیر همسر) که می‌تواند احساس تعلق را ارضا کند، زیربنای اساسی این عامل را تشکیل می‌دهد. افزون‌بر این، محبوب بودن برای فرد مورد علاقه و دریافت حمایت‌های عاطفی از طرف او، مؤلفه‌های عامل سوم را تشکیل می‌دهند. آخرین عاملی که می‌تواند دانشجویان را در معرض تجربه احساس تنهایی قرار دهد، از دست دادن ارتباط با خدا یا فقدان فعالیت‌های رغبت‌انگیز در زندگی روزمره است که با توجه به همانندی با مؤلفه‌هایی که متخصصان اشاره داشتند، عامل مذهبی/ معنوی نامگذاری شد.

۴) پرسشنامه بازپاسخ: یافته‌های به‌دست آمده از این روش، پس از طبقه‌بندی مؤلفه‌ها در شش عامل هیجانی/فردی، عامل اجتماعی/ارتباطی (شامل ارتباط با دیگران، خانواده، دوستان و گروه‌های بزرگ‌تر) و عامل مذهبی/ معنوی، فراوانی مؤلفه‌ها به تفکیک جنس، محاسبه و به‌ترتیب در جدول‌های ۷ تا ۱۲ نشان داده شده‌اند.

همان‌گونه که در جدول ۷ دیده می‌شود عامل هیجانی/فردی مؤلفه‌های نسبتاً متعددی دارد که جملگی بیانگر هیجان‌ها و احساس‌های فرد همراه با تجربه احساس تنهایی هستند. در مجموع، دختران ۱۸۰ بار و پسران ۴۷ بار به مؤلفه‌های این عامل اشاره داشته‌اند. احساس درماندگی در مقابل مسائل و مشکلات، نگرانی و ناایمنی، احساس غم، ناراحتی و خوشحال نبودن مؤلفه‌هایی هستند که بیشترین فراوانی را در گروه دختران دارند، در حالی که در گروه پسران غمگینی و ناراحتی، نگرانی و ناایمنی، احساس شکست و درج‌زدن، بی‌هدفی و نداشتن انگیزه فراوانی بیشتری دارد. تفاوت بین مؤلفه‌های احساس تنهایی در دو جنس نیز قابل توجه

جدول ۷

فراوانی مؤلفه‌های عامل هیجانی/ فردی حاصل از پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی به تفکیک جنس

مؤلفه	دختر		پسر		نمونه
	%	n	%	n	
افسردگی / انزوا / گوشه‌گیری / گوشه‌نشینی / دل‌تنگی / سکوت	۷/۲	۱۳	۸/۵	۴	• احساس گوشه‌گیری و انزوا
سر خوردگی / ناامیدی / ناکامی / احساس بن‌بستی	۵/۰	۹	-	-	• تلفن همراه را خاموش می‌کنم. • هیچ‌گونه امیدی به زندگی و آینده ندارم. • احساس می‌کنم زندگی بن‌بست است.
احساس کهنتری / بی‌ارزشی / بی‌علاقگی به خود / تهی بودن / عدم اعتماد به خویشتن	۸/۹	۱۶	۸/۵	۴	• از خودم بدم می‌آید. • هیچی نیستم. • ناتوانی در انجام کارها
غم / غمگینی / ناشادی / ناراحتی	۱۴/۴	۲۶	۲۱/۳	۱۰	• اتفاق تلخ در زندگی
درماندگی (ناتوانی در حل مشکلات، تصمیم‌گیری، ارضای نیازها / امور زندگی / کمک گرفتن)	۱۵/۵	۲۸	۶/۴	۳	• احساس عجز کامل • درمانده و ناتوان در حل مشکلات زندگی • ناتوان در تصمیم‌گیری و انجام دادن امور زندگی
اضطراب / ترس / نگرانی / عدم آرامش روانی / ناایمنی	۱۵/۵	۲۸	۱۲/۸	۶	• پریشان و بهم‌ریخته • دوست دارم مامانم همیشه پیشم باشه.
نارضایتی از زندگی	۲/۷	۵	۲/۱	۱	• عدم احساس رضایت از زندگی
احساس شکست / عدم پیشرفت / درجا زدن	۷/۲	۱۳	۱۲/۸	۶	• یاد شکست • ساکن بودن
بی‌اعتمادی به دیگران	۴/۴	۸	-	-	• نمی‌توانم اعتماد بکنم.
بی‌هدفی / نداشتن چهارچوب فکری، برنامه و انگیزه	۵/۰	۹	۱۰/۶	۵	• گم کردن هدف زندگی • سردرگمی • ندانستن علت به‌وجود آمدن
عدم استقلال / وابستگی	۲/۷	۵	-	-	• به خود متکی نیستم.
درد / رنج / خستگی / کسلی	۴/۴	۸	۴/۳	۲	• احساس خستگی • احساس روزمرگی
ناتوانی در بیان احساس‌ها	۴/۴	۸	۴/۳	۲	• احساس‌هایم را نمی‌توانم بیان کنم.
افکار منفی	۱/۷	۳	۲/۱	۱	• فکر درباره کاستی‌ها و مصیبت‌های غیرقابل جبران
احساس عدم پالایش درونی	۰/۵	۱	-	-	• احساس عدم تخلیه درونی
بی‌پولی	-	-	۶/۴	۳	• وقتی توی جیبم یا حساب بانکیم پول نباشه.
جمع	۹۹/۵	۱۸۰	۱۰۰	۴۷	

مؤلفه نداشتن دوست و عدم روابط گرم و بی‌توجهی دوستان (که بیشتر دربردارنده کیفیت رابطه است) در گروه دختران بیشتر از پسران است.

آخرین عاملی که مؤلفه‌های آن روابط اجتماعی / ارتباطی فرد را نشان می‌دهد، رابطه با گروه‌های بزرگ‌تر (پیوندجویی گروهی) است که نتایج آن در جدول ۱۱ ارائه شده‌اند. فراوانی

پس از عامل خانواده، کمیت و کیفیت ارتباط با دوستان در جایگاه سوم قرار می‌گیرد. جدول ۱۰ مؤلفه‌های این عامل را نشان می‌دهد. با آنکه دور بودن از جمع دوستان و حضور نداشتن در بین آنها در هردو گروه دختران و پسران به‌عنوان مؤلفه نخست به‌دست آمده، نسبت فراوانی آن در پسران (۸۲/۶) بیشتر از دختران (۶۰/۵) است، در حالی که در دو

جدول ۸

فراوانی مؤلفه‌های عامل اجتماعی/ارتباطی با دیگران حاصل از پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی به تفکیک جنس

نمونه	پسر		دختر		مؤلفه
	%	n	%	n	
<ul style="list-style-type: none"> • نتوانم به کسی حرف‌هایم را بزنم. • بین افرادی هستم که نقطه مشترکی نداریم. • نمی‌دانم مشکلم را با چه کسی درمیان بگذارم. • از هر لحاظ، کسی با تو هم نظر نباشد. 	۲۵	۱۸	۲۷/۹	۶۰	نداشتن هم‌صحبت، هم‌فکر، همدم و همدرد/ تفاوت داشتن با دیگران/ نداشتن شریک غم و شادی/ نداشتن نقطه مشترک با دیگران
<ul style="list-style-type: none"> • پشتیبانی نداشته باشم. • موقع نیاز حضور ندارند. 	۹/۷	۷	۱۹/۱	۴۱	عدم حمایت (مالی، عاطفی، فکری) بی‌پناهی/ نداشتن پشتیبان عاطفی
<ul style="list-style-type: none"> • کسی مرا درک نکند. 	۱۹/۴	۱۴	۱۳/۵	۲۹	عدم درک از سوی دیگران
<ul style="list-style-type: none"> • در برقراری ارتباط با اطرافیان ناتوانم. 	۱۵/۳	۱۱	۸/۴	۱۸	عدم تعامل و ارتباط با دیگران
<ul style="list-style-type: none"> • مرکز توجه دیگران نباشم. • اطرافیانم نشان دهند که به فکر من هستند. 	۱۳/۹	۱۰	۱۱/۶	۲۵	بی‌توجهی و کم‌اهمیتی از سوی دیگران
<ul style="list-style-type: none"> • دوروبرم شلوغ نباشد. 	۸/۳	۶	۹/۳	۲۰	عدم حضور (فیزیکی) دیگران
<ul style="list-style-type: none"> • عزیزانم کنارم نباشند. 	۵/۶	۴	۷/۴	۱۶	دور بودن از افراد مورد علاقه
<ul style="list-style-type: none"> • از بودن من خوشایند نیستند. • رفتار کسانی را که دوست دارم نمی‌توانم تحمل کنم. • از اطرافیانم خسته شده‌ام. 	-	-	۱/۴	۳	خوشحال نکردن دیگران
	۲/۸	۲	۱/۴	۳	بی‌علاقگی و خستگی از دیگران/عدم تحمل دیگران/ ناسازگاری با افراد، نزدیکان و جامعه
	۱۰۰	۷۲	۱۰۰	۲۱۵	جمع

جدول ۹

فراوانی مؤلفه‌های عامل اجتماعی/ارتباطی با خانواده حاصل از پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی به تفکیک جنس

نمونه	پسر		دختر		مؤلفه
	%	n	%	n	
<ul style="list-style-type: none"> • در جمع خانواده حضور نداشته باشم. 	۷۰	۱۴	۶۴/۶	۵۱	دور بودن از خانواده/ دور شدن اعضای خانواده/ همسر
<ul style="list-style-type: none"> • مشکلات، عقاید و باورهایم را نپذیرند. 	۲۵	۵	۳۵/۴	۲۸	نداشتن روابط گرم، پذیرش و حمایت خانواده/ همسر
<ul style="list-style-type: none"> • پدر و مادرم به من اعتماد نکنند. 	۵	۱	-	-	از دست دادن اعتماد والدین
	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۷۹	جمع

جدول ۱۰

فراوانی مؤلفه‌های عامل اجتماعی/ارتباطی با دوستان حاصل از پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی به تفکیک جنس

مؤلفه	دختر		پسر		نمونه
	%	n	%	n	
دور بودن و عدم حضور در جمع دوستان	۶۰/۵	۲۳	۸۲/۶	۱۹	• دوستانم از من اجتناب کنند/ در جمع دوستان نباشم.
نداشتن دوست	۲۶/۳	۱۰	۸/۷	۲	• دوست با ارزش (واقعی) وجود ندارد.
عدم روابط گرم با دوستان/ بی‌توجهی آنها	۱۳/۲	۵	۴/۳	۱	• روابط همیشگی‌ام با دوستانم بهم بخورد.
از دست دادن اعتماد دوستان نزدیک	-	-	۴/۳	۱	• اعتماد نزدیک‌ترین دوست را از دست بدهم.
جمع	۱۰۰	۳۸	۱۰۰	۲۳	

دانشجویان مؤلفه‌هایی را منعکس می‌سازند که در مصاحبه‌ها نیز به‌گونه روشن به آن اشاره شده بود. عامل مذهبی/ معنوی که نتایج آن در جدول ۱۲ همراه با نمونه‌هایی برای هر مؤلفه منعکس شده‌اند، در واقع بیانگر تکیه‌گاه‌های روانی و نیازی است که دانشجویان برای تجربه نکردن احساس تنهایی به آن پرداخته‌اند.

مؤلفه‌های این عامل در هر دو جنس، کمتر از عوامل دیگر است. اما، باید توجه داشت که برای دختران عدم حضور و فعالیت در جامعه و گروه‌ها بیشتر از پسران، معنای احساس تنهایی را تداعی می‌کند، در حالی که برای پسران حضور در محیط‌های ناآشنا بیشتر از دختران، احساس تنهایی را همراه خود دارد. سرانجام یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای پاسخ‌های

جدول ۱۱

فراوانی مؤلفه‌های عامل اجتماعی/ارتباطی با گروه‌های بزرگ‌تر حاصل از پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی به تفکیک جنس

مؤلفه	دختر		پسر		نمونه
	%	n	%	n	
دور بودن از اجتماع/ عدم فعالیت اجتماعی و گروهی/ شرکت نداشتن در مراسم، جشن‌ها و ...	۵۸/۳	۱۴	۳۰	۳	• زمانی که در اجتماع نیستم.
حضور در محیط‌ها و اجتماع‌های ناآشنا/ ناهمگون	۴۱/۷	۱۰	۷۰	۷	• مشارکت نداشتن در فعالیت‌های گروهی • روابط نامطلوب با جامعه و اطراف • حضور در جمعی که از عقایدشان مطلع نیستم و افکار مشترکی با آنها ندارم. • حضور در یک جمع غریبه
جمع	۱۰۰	۲۴	۱۰۰	۱۰	

جدول ۱۲

فراوانی مؤلفه‌های عامل مذهبی/ معنوی حاصل از پرسشنامه باز-پاسخ احساس تنهایی به تفکیک جنس

مؤلفه	دختر		پسر		نمونه
	%	n	%	n	
دور شدن از خدا/ از دست دادن خدا/ گفت‌وگو با خدا/ رضایت خدا	۲۶/۱	۶۸	۱۶	۴	• احساس تنهایی یعنی از دست دادن خدا • رها کردن خدا در مسیر زندگی • نداشتن رابطه با خدا
عدم راز و نیاز با خدا/ بی‌ایمانی/ عدم توکل به خدا	۱۰/۱	۷	۱۶	۴	• موقع دعا (نماز) احساس تنهایی نمی‌کنم. • به عشق خدا نسبت به خودم ایمان نداشته باشم.
عدم انجام فعالیت مورد علاقه: کار مورد علاقه (مثبت و مفید)، مطالعه (درس، رمان، روزنامه)، سرگرمی و تفریح، موسیقی، سفر، فراگیری مهارت و معلومات، ورزش، تلویزیون، فیلم، شعر و عرفان، رقص، ناهمانگی با طبیعت، تمرین تئاتر، آشپزی	۶۳/۸	۴۴	۶۸	۱۷	• عدم وجود امر مورد علاقه در دل و روح آدمی • سرگرم کار مورد علاقه • مشغول به کار • موقع مطالعه، احساس تنهایی نمی‌کنم. • موقع ورزش، احساس تنهایی نمی‌کنم. • در سفر حتی به تنهایی احساس تنهایی نمی‌کنم.
جمع	۱۰۰	۶۹	۱۰۰	۲۵	

پرلن، ۱۹۸۲؛ راسل و دیگران، ۱۹۸۰؛ راسل و دیگران، ۱۹۸۴؛ ویتنبرگ، ۱۹۸۶؛ کرامر و بری، ۱۹۹۹) هستند، زیرا در هر چهار منبع پژوهش بر مؤلفه‌های آنها تأکید شده است. عامل‌های خانوادگی، دوستان، احساساتی و گروه‌های بزرگ‌تر (پیوندجویی گروهی) نیز با فراوانی بالایی برجسته شدند. کمیت و کیفیت ارتباط با خانواده، عاملی است که در پیشینه مطالعاتی (اشمیت و سرمت، ۱۹۸۳؛ کرامر و بری، ۱۹۹۹؛ دیتوماسو و دیگران، ۲۰۰۴؛ دهشیری و دیگران، ۱۳۸۷)، مصاحبه با متخصصان و پرسشنامه دانشجویان، به صراحت به گستره آن اشاره شده بود. اما، در مصاحبه با دانشجویان، این عامل به شکل متمایزی مشخص نشد، زیرا به نظر می‌رسد در این گروه به‌طور کلی به روابط فرد با دیگران، هم در چهارچوب خانوادگی و هم دوستان تأکید بیشتری صورت می‌گرفت. بنابراین در نتایج مصاحبه با دانشجویان عامل خانوادگی و دوستان در یک طبقه قرار گرفتند. افزون بر این این گروه بر روابط صمیمانه و احساساتی نیز تأکید داشتند به‌طوری‌که این امکان را فراهم ساخت تا به‌عنوان یک عامل مستقل مشخص شود، در حالی که متخصصان در چهارچوب روابط فرد، فقط رابطه با خانواده را یک عامل مستقل در نظر می‌گرفتند و بر روابط صمیمانه و احساساتی در ارتباط با دیگران و دوستان تأکید می‌کردند.

نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها نیز با گستردگی زیادی روابط فرد را مطرح کرده بودند به‌گونه‌ای که در چهار عامل مستقل ارتباط با دیگران، ارتباط با خانواده، ارتباط با دوستان و ارتباط با گروه‌های بزرگ‌تر (پیوندجویی گروهی) دسته‌بندی شدند. در واقع، تأکید این گروه بر روابط فقط به عامل احساساتی منحصر نبود و مؤلفه‌های آن را به رابطه با خانواده تعمیم می‌دادند. با این وجود نکته جالب در نتایج حاصل از این منبع، تأکید بر مؤلفه‌هایی بود که به شکل‌گیری عامل احساس تنهایی در گروه‌های بزرگ‌تر (پیوندجویی گروهی)، همان‌گونه که در پیشینه نظری و تجربی برجسته شده است، منجر شد. باید توجه داشت که در متون نظری و تجربی احساس تنهایی، روابط خانواده، دوستان، احساساتی و گروه‌های بزرگ‌تر (پیوندجویی

مؤلفه‌های این عامل، که فراوانی آنها در هر دو جنس نسبتاً یکسان است، به‌روشنی در دو جنبه مذهبی (مانند احساس دور شدن از خدا، از دست دادن خدا و رضایت خداوند و نیز نداشتن گفت و گو و راز و نیاز با خدا) و معنوی (مانند انجام ندادن فعالیت و کار مورد علاقه، نداشتن مطالعه، سرگرمی و تفریح، موسیقی، سفر، فراگیری مهارت و معلومات، ورزش، تلویزیون، شعر و عرفان و ...) قرار می‌گیرند.

بحث

گسترده‌گی ماهیت احساس تنهایی، بسیاری از پژوهشگران را بر آن داشته است تا افزون بر تعریف و مفهوم‌سازی و بررسی ارتباط آن با سایر متغیرها و مشکلات، به شناسایی عوامل تشکیل‌دهنده آن بپردازند. منابع چهارگانه پژوهش حاضر (پیشینه نظری و تجربی، مصاحبه با متخصصان، مصاحبه با دانشجویان و پرسشنامه‌های باز-پاسخ دانشجویان) با هدف شناسایی ساختار عاملی احساس تنهایی، تحلیل شدند. مرور پیشینه نظری و تجربی نشان داد عوامل تشکیل‌دهنده احساس تنهایی را می‌توان در هفت طبقه هیجانی، اجتماعی، خانوادگی، احساساتی، دوستان، گروه‌های بزرگ‌تر (پیوندجویی گروهی) و هستی‌گرا دسته‌بندی کرد، در حالی که مؤلفه‌های حاصل از مصاحبه با متخصصان در پنج عامل هیجانی/فردی، ارتباطی/اجتماعی، ارتباطی/خانوادگی، هستی‌گرا و مذهبی/معنوی، مصاحبه با دانشجویان در چهار طبقه هیجانی/فردی، ارتباطی، احساساتی و مذهبی/معنوی و پرسشنامه باز-پاسخ دانشجویان در شش عامل هیجانی/فردی، اجتماعی/ارتباطی با دیگران، اجتماعی/ارتباطی با خانواده، اجتماعی/ارتباطی با دوستان، اجتماعی/ارتباطی با گروه‌های بزرگ‌تر (پیوندجویی گروهی) و مذهبی/معنوی قرار گرفتند.

افزون بر این نتایج نشان دادند عمده‌ترین عوامل احساس تنهایی همسو با پیشینه نظری و تجربی، عامل‌های هیجانی (ویس، ۱۹۷۳؛ اسکالیس و دیگران، ۱۹۸۴؛ دی‌یانگ‌گیرولد و کمفویس، ۱۹۸۵؛ ویتنبرگ، ۱۹۸۶؛ دیتوماسو و اسپینر، ۱۹۹۳؛ دهشیری و دیگران، ۱۳۸۷) و اجتماعی (ویس، ۱۹۷۶؛ پیلو و

گروهی) به شکل یک عامل مستقل مطرح شده‌اند (اشمیت و سرمت، ۱۹۸۳؛ دیتوماسو، ۱۹۹۷؛ دیتوماسو و دیگران، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵؛ دهشیری و دیگران، ۱۳۸۷) و برخی مقیاس‌ها نیز آنها را جداگانه اندازه‌گیری می‌کنند.

افزون بر این شش عامل، در پیشینه نظری و تجربی عامل هستی‌گرایی (موستاکاس، ۱۹۷۲؛ بلچر، ۱۹۷۳؛ مایرز و دیگران، ۲۰۰۲؛ اتما و دیگران، ۲۰۱۰) به‌منزله تنهایی اجتناب‌ناپذیر بشر در چهارچوب جهان هستی نیز مطرح بود که در مصاحبه با متخصصان هم درباره مؤلفه‌های آن صحبت شد، اما دانشجویان نه در صحبت‌ها به آن اشاره‌ای داشتند و نه در نوشته‌ها. اما، عامل مذهبی/معنوی نیز بدون اینکه در پیشینه نظری و تجربی به‌گونه بارز و مستقلی مطرح شده باشد، در مصاحبه با متخصصان، دانشجویان و نیز در پرسشنامه‌ها، خودنمایی می‌کرد که به نظر می‌رسد می‌توان آن را به عنوان یک عامل احساس تنهایی در فرهنگ ایرانی در نظر گرفت. همچنین، متخصصان و دانشجویان به مؤلفه‌هایی (مانند متفاوت بودن، نداشتن نقطه مشترک با دیگران و احساس ناهمخوانی با دیگران) در ساختار و شکل‌گیری احساس تنهایی اشاره داشتند که در پیشینه دیده نشد.

در مجموع با توجه به یافته‌های پژوهش و بر اساس مبانی مشترک با پیشینه نظری و تجربی احساس تنهایی، همچنین تفاوت‌های مبتنی بر ساختار اجتماعی/فرهنگی، زمینه‌ای مناسب برای تهیه و گسترش پرسشنامه احساس تنهایی ایرانی فراهم شده است. در پژوهش‌های بعدی با هدف تعیین ساختار عاملی پرسشنامه (تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی) اعتبار و روایی پرسشنامه (روایی همگرا) از نتایج پژوهش حاضر بهره گرفته خواهد شد. باید توجه داشت که بررسی احساس تنهایی در دیگر گروه‌های جمعیت‌شناختی بیانگر تفاوت‌هایی‌اند که اجازه تعمیم نتایج پژوهش حاضر را نمی‌دهند. برای نمونه، در نوجوانان و کهنسالان عوامل تشکیل‌دهنده احساس تنهایی می‌توانند متفاوت از گروه دانشجویان باشند که بررسی مبانی مفهومی احساس تنهایی در این دو گروه، مکمل یافته‌های این مطالعه خواهند بود.

منابع

- بحیرایی، ه. (۱۳۷۸). هنجار کردن مقیاس تنهایی UCLA (نسخه سوم) در دانشجویان مقیم تهران. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- خوبی‌نژاد، غ.، ر.، رجایی، ع. ر. و محراب‌اد، ت. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۹(۳۴)، ۹۲-۷۵.
- داورپناه، ف. (۱۳۷۳). هنجاریابی نسخه تجدیدنظر شده مقیاس احساس تنهایی UCLA برای دختران ۱۲ تا ۱۸ ساله در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- دهشیری، غ.، برجعلی، ا.، شیخی، م. و حبیبی‌عسگرآباد، م. (۱۳۸۷). ساخت و اعتباریابی مقیاس احساس تنهایی در بین دانشجویان. مجله روان‌شناسی، ۴۷، ۲۹۶-۲۸۲.
- رحیم‌زاده، س. (۱۳۸۹الف). مفهوم‌سازی‌ها و اندازه‌های احساس تنهایی: مقایسه زیرمقیاس‌ها. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۲۳، ۲۷۹-۲۷۷.
- رحیم‌زاده، س. (۱۳۸۹ب). پرسشنامه احساس تنهایی هستی‌گرا: زمینه، گسترش و یافته‌های نخستین. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۲۴، ۳۷۲-۳۷۰.
- رحیم‌زاده، س.، بیات، م. و اناری، آ. (۱۳۸۸). احساس تنهایی و خوداثربخشی اجتماعی در نوجوانان. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۲۲، ۹۶-۸۷.
- طهماسیان، ک.، اناری، آ. و صالح‌صدق‌پور، ب. (۱۳۸۸). مجله علوم رفتاری، ۳(۲)، ۹۷-۹۳.
- لعلی‌فاز، ا. و عسگری، ع. (۱۳۸۷). توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش‌آموز. اصول بهداشت روانی، ۱۰(۱)، ۷۸-۷۱.
- واحدی، ش.، فتح‌آبادی، ج. و اکبری، س. (۱۳۸۹). الگوی میانجی‌گری احساس تنهایی هیجانی و اجتماعی، بهزیستی معنوی، فاصله اجتماعی و افسردگی دانشجویان دختر. روان‌شناسی کاربردی، ۱۶، ۲۴-۷.
- هومن، ح. ع. (۱۳۸۵). راهنمای عملی پژوهش کیفی. تهران:

- model of loneliness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53 (1), 119-128.
- De Jong Gierveled, J. (1998).** A review of loneliness: concept and definitions, determinants and consequences. *Reviews in Clinical Gerontology*, 8, 73-80.
- De Jong Gierveld, J., & Kamphuis, F. (1985).** The development of a Rasch-type Loneliness Scale. *Applied Psychological Measurement*, 9, 289-299.
- Deniz, M. E., Hamarta, E., & Ari, R. (2005).** An investigation of social skills and loneliness levels of university students with respect to their attachment styles in a sample of Turkish students. *Social Behaviour and Personality*, 33,19-32.
- Ditomaso, E. (1997).** *Assessing an attachment model of loneliness: The relationship between attachment style, chronic loneliness and coping.* Unpublished Doctoral Dissertation, the University of New Brunswick.
- Ditomaso, E., Brannen, C., & Best, L. (2004).** Measurement and validity characteristics of the Short Version of the Social and Emotional Loneliness Scale for Adults. *Educational & Psychological Measurement*, 64 (1), 99-119.
- Ditomaso, E., Brannen, C., & Burgess, M. (2005).** The university of relationship characteristics: A cross-cultural comparison of different types of attachment and loneliness in Canadian and visiting Chinese students. *Social Behaviour and Personality*, 33(1), 57-68.
- Ditomaso, E., & Spinner, B. (1993).** The development and initial validation of the Social and Emotional Loneliness Scale for Adults (SELSA).
- Anderson, C. A. (1999).** Attributional style, depression, and loneliness: A cross-cultural comparison of American and Chinese students. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25, 482-499.
- Ang, C. S., & Mansor, A. T. (2012).** An empirical study of selected demographic variables on loneliness among youths in Malaysian university. *Asia Life Sciences*, 21(10), 107-121.
- Belcher, M. J. (1973).** *The measurement of loneliness: A validation of the Belcher Extended Loneliness Scale (BELS).* Unpublished doctoral dissertation, Illinois Institute of Technology.
- Bernardon, S., Babb, K. A., Hakim-Larson, J., & Gragg, M. (2011).** Loneliness, attachment, and the perception and use of social support in university students. *Canadian Journal of Behavioural Science*, 43(1), 40-51.
- Cacioppo, J. T., Hughes, M. E., Waite, L. J., Hawkley, L. C., & Thisted, R. A. (2006).** Loneliness as a specific risk factor for depressive symptoms: Cross-sectional and longitudinal analyses. *Psychology and Aging*, 21, 140-151.
- Cramer, K. M., & Barry, J. E. (1999).** Conceptualizations and measures of loneliness: A comparison of subscales. *Personality and Individual Differences*, 27, 491-502.
- Cutrona, C. (1982).** Transition to college, loneliness and the process of social adjustment. In L. Peplau & D. Perlman (Eds.), *Loneliness : A sourcebook of current theory, research and therapy* (pp. 291-309). New York: John Wiley.
- De Jong Gierveled, J. (1987).** Developing and testing a

- Social capital, age and religiosity in people who are lonely. *Journal of Clinical Nursing*, 15, 334-340.
- Mayers, A. M., Khoo, S. T., & Svartberg, M. (2002).** The Existential Loneliness Questionnaire : Background, development, and preliminary findings. *Journal of Clinical Psychology*, 58 (9), 1183-1193.
- Moustakas, C. E. (1972).** *Loneliness and love*. NJ: Prentice-Hall.
- Özdemir, U., & Tuncay, T. (2008).** Correlates of loneliness among university students. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 2, 1-6.
- Peplau, L. A., & Perlman, D. (1982).** Perspective on loneliness. In L. Peplau & D. Perlman (Eds.), *Loneliness* (pp. 1-18). New York: John Wiley & Sons.
- Perlman, D. (2003).** European and Canadian studies of loneliness among seniors. *Canadian Journal on Aging*, 23(2), 181-188.
- Rokach, A. (1996).** The subjectivity of loneliness and coping with it. *Psychological Reports*, 79, 475-481.
- Rokach, A. (2001).** *Perceived causes of loneliness: A cross-cultural comparison*. Retrieved December 3, 2008, from <http://findarticles.com/p/articles/mi-qma3852/is-200/01/ai-n8945437>.
- Rokach, A., & Brock, H. (1997).** Loneliness and the effects of life changes. *The Journal of Psychology*, 131(3), 284-298.
- Russell, D. W., Cutrona, C. E., Rose, J., & Yurko, K. (1984).** Social and emotional loneliness: An examination of Weiss's typology of loneliness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 46, 1313-1321.
- Russell, D. W., Peplau, L. A., & Cutrona, C. (1980).** *Personality and Individual Differences*, 14, 127-134.
- Ditommaso, E., & Spinner, B. (1997).** Social and emotional loneliness : A re-examination of Weiss typology of loneliness. *Personality and Individual Differences*, 22, 417-427.
- Ettema, E. J., Derksen, L. D., & Leeuwen, E. N. (2010).** Existential loneliness and end-of-care: A systematic review. *Theoretical Medicine and Bioethics*, 31, 141-169.
- Floyd, L. J. (2002).** *Loneliness : Personality correlates and psycho physiological consequences*. Unpublished doctoral dissertation, Howard University.
- Fromm-Reichmann, F. (1959).** Loneliness. *Psychiatry*, 22, 1-15.
- Herman, K. S. (2005).** *The influence of social self-efficacy, self-esteem and personality differences on loneliness and depression*. Unpublished M.A. thesis, Ohio State University.
- Hojat, M. (1982a).** Psychometric characteristics of the UCLA Loneliness Scale: A study with Iranian students. *Educational and Psychological Measurement*, 42 (3), 917-925.
- Hojat, M. (1982b).** Loneliness as a function of parent-child and peer relations. *Journal of Psychology*, 112, 129-133.
- Hojat, M. (1982c).** Loneliness as a function of selected personality variables. *Journal of Clinical Psychology*, 38, 137-141.
- Hojat, M. (2007).** *Empathy in patient care*. New York: Springer.
- Hojat, M., & Crandall, R. (1989).** *Loneliness, theory, research and applications*. Newbury Park, CA: Sage.
- Lauder, W., Mummery, K., & Sharkey, S. (2006).**

- immunity in first year university students. *Japanese Psychological Research*, 53(2), 121-132.
- Weiss, R. S. (1973).** *Loneliness: The experience of emotional and social isolation*. Cambridge: MIT Press.
- Weiss, R. S. (1976).** The emotional impact of marital separation. *Journal of Social Issues*, 32, 135-146.
- Wittenberg, M. T. (1986).** *Emotional and social loneliness: An examination of social skills, attributions, sex role, and object relations perspectives*. Unpublished doctoral dissertation, University of Rochester.
- Wood, L. A. (1986).** Loneliness. In R. Harré (ed.). *The social construction of emotions* (pp. 184-208). Oxford: Basil Blackwell Ltd.
- Wright, S. L. (2005).** *Loneliness in the workplace*. unpublished doctoral dissertation, University of Canterbury.
- The Revised UCLA Loneliness Scale: Concurrent and discriminate validity evidence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39, 472-480.
- Scalise, J. J., Ginter, E. J., & Gerstein, L. H. (1984).** A multidimensional loneliness measures: The Loneliness Rating Scale (LRS). *Journal of Personality Assessment*, 48, 525-530.
- Schmidt, N., & Sermat, V. (1983).** Measuring loneliness in different relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 44, 1038-1047.
- Theeke, L. A. (2009).** *Predictors of loneliness in U. S. adults over age sixty-five*. Retrieved January 22, 2009, from www.sciencedirect.com.
- Wawrzyniak, A. J., & PollardWhiteman, M. C. (2011).** Perceived stress, loneliness, and interaction with fellow students does not affect innate mucosal

